

[مسأله 20 1](#_Toc59991283)

[فرض سوم (عدول از حاضره به فائته) 1](#_Toc59991284)

[جمع عرفی بین دو طائفه (حمل أمر به تقدیم حاضره بر فرض خوف فوت وقت فضیلت) 1](#_Toc59991285)

[بررسی سه روایت مخالف این جمع عرفی 2](#_Toc59991286)

[روایت أول 2](#_Toc59991287)

[روایت دوم 5](#_Toc59991288)

[روایت سوم 8](#_Toc59991289)

[اشکال عمده در بحث 8](#_Toc59991290)

**موضوع**: مسأله 20 /نیت /واجبات نماز /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در فروض عدول از یک نماز به نماز دیگر بود که در جلسه قبل بحث راجع به فرض سوم واقع شد.

# مسأله 20

## فرض سوم (عدول از حاضره به فائته)

**بحث در عدول از حاضره به فائته بود**؛ بیان کردیم که اگر خوف فوت وقت فضیلت حاضره وجود داشته باشد جواز عدول از آن به قضای فائته دلیلی ندارد و این را مبتنی بر این کردیم که دو طائفه از روایات وجود دارد که بین این دو طائفه تعارض است؛ یک طائفه أمر به تقدیم قضای فائته بر حاضره می کند و طائفه دیگر أمر به تقدیم أدای حاضره بر قضای فائته می کند.

## جمع عرفی بین دو طائفه (حمل أمر به تقدیم حاضره بر فرض خوف فوت وقت فضیلت)

اگر ما همچون مانند مرحوم شیخ، مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری، مرحوم داماد و مرحوم خویی جمع عرفی بین این دو طائفه را به این نحو دانستیم که أمر به تقدیم قضای فائته بر أدای حاضره تا زمانی است که خوف فوت وقت فضیلت حاضره نباشد وگرنه اگر خوف وقت فضیلت نماز أدائیه باشد دیگر أمر به تقدیم قضای فائته بر حاضره وجود ندارد وطبعاً با وجود خوف وقت فضیلت، عدول از نماز حاضره به نماز فائته هم دلیل ندارد. ما به قرینه صحیحه صفوان و یک فقره از صحیحه زراره این جمع را عرفی دانستیم که مرحوم شیخ و بزرگان دیگر مطرح کرده اند.

### بررسی سه روایت مخالف این جمع عرفی

لکن گفته می شود که سه روایت بر خلاف این جمع وجود دارد؛

### روایت أول

1-روایت أبی بصیر که به خاطر وجود سهل بن زیاد و محمد بن سنان در سند، ضعف سند داشت:

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ الظُّهْرَ حَتَّى دَخَلَ وَقْتُ الْعَصْرِ قَالَ يَبْدَأُ بِالظُّهْرِ وَ كَذَلِكَ الصَّلَوَاتُ تَبْدَأُ بِالَّتِي نَسِيتَ إِلَّا أَنْ تَخَافَ أَنْ يَخْرُجَ وَقْتُ الصَّلَاةِ فَتَبْدَأُ بِالَّتِي أَنْتَ فِي وَقْتِهَا ثُمَّ تُصَلِّي الَّتِي نَسِيتَ.[[1]](#footnote-1)

**گفته می شود**: مفاد روایت این است که استحباب تقدیم قضای فائته بر أدای حاضره مشروط به این است که خوف خروج وقت واجب در حاضره نباشد و آن چیزی که استحباب تقدیم فائته بر حاضره را رفع می کند خوف فوت وقت وجوب حاضره است.

این روایت در کلمات بزرگان در بحث دیگری مطرح شده است؛ بحث معروفی در قضا با عنوان «بحث مواسعه و مضایقه» مطرح است و برخی از روایات ظاهر در این است که مبادرت به قضا و تقدیم بر أداء واجب است که از آن تعبیر به «مضایقه» می شود در مقابله «مواسعه» که به معنای عدم وجوب مبادرت به قضا است.

**مرحوم شیخ در کتاب المسائل الفقهیه فرموده اند**: این روایت مطابق با مذهب عامه است چون مفاد روایت این است که یک وقت مغرب و یک وقت عشاء داریم یک وقت ظهر و یک وقت عصر داریم و با دخول وقت عشاء وقت مغرب می گذرد و با دخول وقت عصر، وقت ظهر می گذرد. لذا این روایت بر تقیه حمل می شود. این مطلب در کلام محقق همدانی و نیز در کتاب الصلاة صفحه 568 محقق حائری آمده است و تعبیری که از مرحوم بروجردی در کتاب نهایة التقریر نقل شده است این است که «و هذه الرواية مضافا إلى أنّها مشعرة بتباين وقتي الظهرين، كما يقول به العامّة» و این مطلب، ضعف این روایت است. مرحوم حکیم نیز در مستمسک جلد 7 صفحه 95 فرموده اند: «أن الظاهر منه تعدد وقت الظهرين و العشاءين- كما قيل- و لا نقول به»

**لکن به نظر ما این فرمایش تمام نیست**؛ ما از این روایت مطلب صریحی که قابل توجیه نباشد و موافق عامه باشد به دست نیاوردیم و مراد از «رجل نسی الظهر حتی دخل وقت العصر» وقت متعارف عصر است که وقت فضیلت عصر شروع می شد و حضرت هم نفرمود «یبدأ بالعصر» تا موافق عامه باشد بلکه فرمودند «یبدأ بالظهر». و تعبیر «وَ كَذَلِكَ الصَّلَوَاتُ تَبْدَأُ بِالَّتِي نَسِيتَ إِلَّا أَنْ تَخَافَ أَنْ يَخْرُجَ وَقْتُ الصَّلَاةِ فَتَبْدَأُ بِالَّتِي أَنْتَ فِي وَقْتِهَا ثُمَّ تُصَلِّي الَّتِي نَسِيتَ» صریح در موافقت عامه نیست؛ اگر مراد از خروج وقت صلاة، خروج وقت واجب نماز باشد موافق عامه نخواهد بود؛ همچنین اگر مراد از خروج وقت صلاة، خروج وقت فضیلت نماز باشد ولی مربوط به غیر نماز ظهر و عصر یک روز و غیر نماز مغرب و عشای یک روز باشد یعنی مربوط به تقدیم فائته بر حاضره باشد که این تقدیم تا زمانی است که خوف فوت وقت فضیلت حاضره نباشد و این مطلب خلاف مذهب شیعه نیست. لذا این اشکال که این روایت موافق مذهب عامه است صحیح نیست.

**مرحوم خویی در موسوعه جلد 16 صفحه 171 فرموده اند:** به قرینه «حتی دخل وقت العصر» که مراد دخول وقت فضیلت عصر است به قرینه سیاق می فهمیم که مراد از «وقت الصلاة» در ادامه هم همان وقت فضیلت نماز است؛ وقتی اولی وقت فضیلت عصر بود قرینه سیاق تشکیل می دهد که فقره دوم هم به معنای وقت فضیلت نماز باشد و لذا بر تقدیم قضای فائته بر حاضره حمل می کنیم و آن را مشروط به عدم خوف فوت وقت فضیلت حاضره می کنیم.

**این فرمایش مرحوم خویی نیز به نظر ما ایراد دارد؛** سائل بیان کرد «رجل نسی الظهر حتی دخل وقت العصر» و وقت عصر یک وقت متعارفی بود که مراد همان وقت فضیلت عصر است و وقتی که در بین عامه عرف شده بود همین بلوغ الشاخص ذراعین حال بلوغ سایه به دو هفتم شاخص یا چهار هفتم شاخص بود (که راجع به مقدارش بین عامه و خاصه نزاع بود و برخی هم مثلی الشاخص یعنی دو برابر شاخص گفته اند. وقت عصر عامه با ما تفاوت دارد و وقت عصر آن ها دیرتر از وقت عصر ما است) أما این فقره ربطی به فقره ثانیه ندارد و «وقت الصلاة» ظهور در وقت وجوب نماز دارد و حمل آن بر وقت فضیلت خلاف ظاهر است و ما قرینیت سیاقی نمی فهمیم؛ سائل به یک وقت متعارف که نامش وقت فضیلت عصر است اشاره کرد ولی قرینه نمی شود که جواب امام علیه السلام هم مربوط به وقت فضیلت باشد. توجّه شود که «و کذلک الصلوات» بر صلوات قضائیه حمل می شود و ربطی به تقدیم نماز ظهر بر عصر یا مغرب بر عشاء ندارد و مربوط به تقدیم قضای فائته بر أدای حاضره است که استحباب آن را مادامی می داند که خوف فوت وقت فضیلت حاضره نباشد. طبعاً نماز مغرب و عشاء و ظهر و عصر اگر مراد باشد تفاوت دارد و در این دو تا زمانی که خوف فوت أصل واجب یعنی عصر یا عشاء نباشد نماز مغرب یا ظهر مقدّم می شود و حضرت هم فقره اولی را مقدم نکردند و صرفاً بیان کردند که اگر کسی نماز ظهر را فراموش کرد تا وقت نماز عصر رسید نماز ظهر را ابتدا می خواند (و بیان نکردند که اگر خوف فوت وقت عصر باشد چه می شود) و تنها در ذیل روایت «الا ان تخاف ان تخرج وقت الصلاة» ذکر شده است که مرحوم خویی آن را مربوط به فقره ثانیه می دانند و فقره ثانیه را مربوط به تقدیم فائته بر حاضره می دانند.

به نظر ما انصافاً ظهور «کذلک الصلوات» أعم از نماز مغرب و عشاء و قضای فائته می دانیم و این که نماز ظهر و عصر را بگویند و تعبیر به «و کذلک الصلوات» کنند و شامل نماز مغرب و عشاء نشود خلاف ظهور عرفی است زیرا أولین چیزی که نزدیک به نماز ظهر و عصر است نماز مغرب و عشاء است.

**لکن عرض ما این است که**: در مقابل صحیحه صفوان و صحیحه زراره قرار گرفته است که بیان می کند اگر خوف فوت فضیلت مغرب وجود داشته باشد ابتدا مغرب خوانده شود و بعد نماز عصر یا ظهر فوت شده خوانده شود «اذا خفت فوت وقت فضیلة الحاضره فابدأ بالحاضره ثم ائت بالحاضره». ما می گوییم وقتی عرف این را با روایت أبی بصیر جمع می کند می گوید روایت ابی بصیر قابل توجیه است؛ یک توجیه این است که «و کذلک الصلوات» را ناظر به تقدیم قضای فائته بر حاضره نیست و قاعده عامه ای را در صلاتین مترتّبتین بیان می کند که یک مثال آن ظهر و عصر بود و «وکذلک الصلوات» یعنی تمام نماز هایی که مترتّب اند که مثال روشن آن نماز مغرب و عشاء است و مثال دیگرش نافله ظهر و ظهر و نافله عصر و عصر است که برخی معتقد اند تا آخر غروب آفتاب مستحب است ابتدا نافله ظهر و بعد نماز ظهر خوانده شود ابتدا نافله عصر و بعد نماز عصر خوانده شود. در عروه هم مطرح می کند که «یمتدّ وقت النوافل فی الظهر و العصر الی الغروب علی الأقوی».

ما به قرینه شاهد جمع که صحیحه صفوان است و فقره صحیحه زراره که بیان می کند اگر خوف فوت نماز مغرب نداری نماز عصر را مقدم کن که ظاهر در خوف فوت وقت فضیلت مغرب بود، می گوییم این روایت أبی بصیر قابل توجیه است یا بر صلاتین مترتّبتین حمل کنیم یعنی قاعده عامه این است «و کذلک الصلوات» که یک نمونه اش نماز ظهر و عصر بود که ابتدا بیان کردیم و نمونه دیگرش مغرب و عشاء است و نمونه دیگر نافله ظهر و ظهر، نافله عصر و عصر به نظر برخی است و نمونه دیگر نافله صبح و نماز صبح به نظر بسیاری، است، که در این موارد نماز اول را مقدّم می کند مگر این که خوف خروج وقت واجب باشد. یا این که این شاهد جمع یعنی صحیحه صفوان قرینه می شود که روایت أبی بصیر را بر خصوص تقدیم قضای فائته بر حاضره حمل کنیم که مرحوم خویی بیان کردند.

نفرمائید که طبق توجیه دوم، حضرت نماز مغرب و عشاء را نفرموده است زیرا شاید حکم آن چه بسا از حکم نماز ظهر و عصر فهمیده می شده است و دیگر نیازی به بیان آن نبوده است و لذا «و کذلک الصلوات» آنچه که روشن نبوده است و نیاز به بیان داشته است یعنی صلاتین غیر مترتّبتین را بیان نموده است و ما قرینه منفصله داریم که مراد از «الا ان یخرج وقت الصلاة» وقت فضیلت نماز حاضره است. ما شاهد جمع ذکر کردیم و نمی گوییم صحیحه أبی بصیر ظهور در خوف خروج وقت واجب نماز ندارد ما مثل مرحوم خویی ادّعا نمی کنیم و قرینه سیاق را قبول نداریم که بگوییم مراد خوف خروج وقت فضیلت نماز است تا مراد از «و کذلک الصلوات» تقدیم فائته بر حاضره شود بلکه ظهور أولی خوف خروج وقت واجب است ولی به قرینه منفصله این جمع را مطرح کردیم و این جمع را عرفی می دانیم. لذا روایت ابی بصیر مشکلی ندارد.

### روایت دوم

روایت دوم صحیحه طویل زراره است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا نَسِيتَ صَلَاةً أَوْ صَلَّيْتَهَا بِغَيْرِ وُضُوءٍ وَ كَانَ عَلَيْكَ قَضَاءُ صَلَوَاتٍ فَابْدَأْ بِأَوَّلِهِنَّ فَأَذِّنْ لَهَا وَ أَقِمْ ثُمَّ صَلِّهَا ثُمَّ صَلِّ مَا بَعْدَهَا بِإِقَامَةٍ إِقَامَةٍ لِكُلِّ صَلَاةٍ وَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ الظُّهْرَ وَ قَدْ فَاتَتْكَ الْغَدَاةُ فَذَكَرْتَهَا فَصَلِّ الْغَدَاةَ أَيَّ سَاعَةٍ ذَكَرْتَهَا وَ لَوْ بَعْدَ الْعَصْرِ وَ مَتَى مَا ذَكَرْتَ صَلَاةً فَاتَتْكَ صَلَّيْتَهَا وَ قَالَ إِنْ نَسِيتَ الظُّهْرَ حَتَّى صَلَّيْتَ الْعَصْرَ فَذَكَرْتَهَا وَ أَنْتَ فِي الصَّلَاةِ أَوْ بَعْدَ فَرَاغِكَ فَانْوِهَا الْأُولَى ثُمَّ صَلِّ الْعَصْرَ فَإِنَّمَا هِيَ أَرْبَعٌ مَكَانَ أَرْبَعٍ فَإِنْ ذَكَرْتَ أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّ الْأُولَى وَ أَنْتَ فِي صَلَاةِ الْعَصْرِ وَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنْهَا رَكْعَتَيْنِ فَانْوِهَا الْأُولَى ثُمَّ صَلِّ الرَّكْعَتَيْنِ الْبَاقِيَتَيْنِ وَ قُمْ فَصَلِّ الْعَصْرَ وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ ذَكَرْتَ أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّ الْعَصْرَ حَتَّى دَخَلَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ وَ لَمْ تَخَفْ فَوْتَهَا فَصَلِّ الْعَصْرَ ثُمَّ صَلِّ الْمَغْرِبَ وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ فَقُمْ فَصَلِّ الْعَصْرَ وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنَ الْمَغْرِبِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ ذَكَرْتَ الْعَصْرَ فَانْوِهَا الْعَصْرَ ثُمَّ قُمْ فَأَتِمَّهَا رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ سَلِّمْ ثُمَّ تُصَلِّي الْمَغْرِبَ فَإِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَ نَسِيتَ الْمَغْرِبَ فَقُمْ فَصَلِّ الْمَغْرِبَ وَ إِنْ كُنْتَ ذَكَرْتَهَا وَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ رَكْعَتَيْنِ أَوْ قُمْتَ فِي الثَّالِثَةِ فَانْوِهَا الْمَغْرِبَ ثُمَّ سَلِّمْ ثُمَّ قُمْ فَصَلِّ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ نَسِيتَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ حَتَّى صَلَّيْتَ الْفَجْرَ فَصَلِّ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَ إِنْ كُنْتَ ذَكَرْتَهَا وَ أَنْتَ فِي رَكْعَةِ الْأُولَى أَوْ فِي الثَّانِيَةِ مِنَ الْغَدَاةِ فَانْوِهَا الْعِشَاءَ ثُمَّ قُمْ فَصَلِّ الْغَدَاةَ وَ أَذِّنْ وَ أَقِمْ وَ إِنْ كَانَتِ الْمَغْرِبُ وَ الْعِشَاءُ الْآخِرَةُ قَدْ فَاتَتَاكَ جَمِيعاً فَابْدَأْ بِهِمَا قَبْلَ أَنْ تُصَلِّيَ الْغَدَاةَ ابْدَأْ بِالْمَغْرِبِ ثُمَّ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ فَإِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةُ إِنْ بَدَأْتَ بِهِمَا فَابْدَأْ بِالْمَغْرِبِ ثُمَّ بِالْغَدَاةِ ثُمَّ صَلِّ الْعِشَاءَ فَإِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةُ إِنْ بَدَأْتَ بِالْمَغْرِبِ فَصَلِّ الْغَدَاةَ ثُمَّ صَلِّ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ ابْدَأْ بِأَوَّلِهِمَا لِأَنَّهُمَا جَمِيعاً قَضَاءٌ أَيَّهُمَا ذَكَرْتَ فَلَا تُصَلِّهِمَا إِلَّا بَعْدَ شُعَاعِ الشَّمْسِ قَالَ قُلْتُ لِمَ ذَاكَ قَالَ لِأَنَّكَ لَسْتَ تَخَافُ فَوْتَهَا[[2]](#footnote-2)»

آقای سیستانی از تعبیر «و قال» تا آخر حدیث را احتمال دادند فتوای زراره باشد و قابل استدلال ندانستند أما کسی که سند روایت را تا آخر پذیرفت با مشکل مواجه می شود؛ مشکل این است که حضرت در یک فقره فرمودند «وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ ذَكَرْتَ أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّ الْعَصْرَ حَتَّى دَخَلَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ وَ لَمْ تَخَفْ فَوْتَهَا فَصَلِّ الْعَصْرَ ثُمَّ صَلِّ الْمَغْرِبَ» که به قول مرحوم حائری کاملاً واضح است که مراد از آن این است که اگر خوف فوت وقت فضیلت مغرب را نداری ابتدا نماز عصر را قضا کن. أما بعد از آن در رابطه با نماز صبح بیان می کند «وَ إِنْ كَانَتِ الْمَغْرِبُ وَ الْعِشَاءُ الْآخِرَةُ قَدْ فَاتَتَاكَ جَمِيعاً فَابْدَأْ بِهِمَا قَبْلَ أَنْ تُصَلِّيَ الْغَدَاةَ ابْدَأْ بِالْمَغْرِبِ ثُمَّ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ فَإِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةُ إِنْ بَدَأْتَ بِهِمَا فَابْدَأْ بِالْمَغْرِبِ ثُمَّ بِالْغَدَاةِ ثُمَّ صَلِّ الْعِشَاءَ فَإِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةُ إِنْ بَدَأْتَ بِالْمَغْرِبِ فَصَلِّ الْغَدَاةَ ثُمَّ صَلِّ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ» مرحوم حائری فرموده اند به قرینه عبارت قبل، این ذیل را نیز بر «ان خشیت ان تفوتک فضیلة الغداة» حمل می کنیم و این گونه مشکل را برطرف کرده اند.

ما تا اینجا مشکلی نداریم؛ لکن مشکل با این مطلب حل نمی شود زیرا با صحیحه أبی بصیر که تام السند بود چه کنیم؟ زیرا صحیحه أبی بصیر بیان می کند «اگر بعد از طلوع فجر بیدار شدی ابتدا نماز صبح را بخوان و بعد نماز مغرب و عشاء را قبل از طلوع آفتاب بخوان» این تعبیر چگونه با صحیحه زراره جمع می شود؟ صحیحه زراره بیان کرد که «اگر بعد از طلوع فجر بیدار شدی ابتدا نماز مغرب و عشاء را بخوان و بعد نماز صبح را بخوان مگر این که خوف فوت نماز صبح باشد» که مخالف با صحیحه أبی بصیر است که بیان می کند «اگر بعد از طلوع فجر بیدار شدی ابتدا نماز صبح را بخوان و بعد نماز مغرب و عشاء را قبل از طلوع آفتاب بخوان» و در ادامه می فرماید «اگر خوف طلوع شمس داشتی نماز مغرب را بعد از نماز صبح بخوان و نماز عشاء را بعد از ذهاب شعاع شمس بخوان»؛ این صحیحه زراره با صحیحه ابی بصیر مشکل دارد زیرا از دو حال خارج نیست یا مراد از صحیحه زراره را خوف فوت فضیلت نماز صبح قرار داده می شود که آقای حائری معنا کردند یعنی اگر خوف فوت وقت فضیلت صبح هست دیگر نماز مغرب و عشاء را قضا نکن و بگذار آفتاب طلوع کند و شعاع شمس (نور اطراف خورشید در ابتدای صبح) از بین برود و بعد نماز مغرب و عشاء را بخوان، در حالی که صحیحه ابی بصیر می گوید نماز صبح را اگر قبل از طلوع آفتاب خواندی بعد از آن نماز مغرب و عشاء را بخوان و حتّی اگر وقت نیست که نماز عشاء را قبل از طلوع آفتاب بخوانی نماز مغرب را قبل از طلوع آفتاب بخوان و لذا این دو روایت با همدیگر قابل جمع نیست.

از یک طرف صحیحه زراره با توجیه مرحوم حائری و بزرگان دیگر به این معنا است که ابتدا نماز مغرب و عشاء را بعد از طلوع فجر قضا کن و بعدش نماز صبح بخوان مگر این که خوف فوت وقت فضیلت نماز صبح باشد یعنی خوف داری که هوا روشن شود و ستاره ها پنهان شوند در این صورت نماز صبح بخوان و بعد از آن نماز مغرب و عشاء هم نخوان بلکه بگذار بماند تا آفتاب طلوع کند و شعاع خورشید از بین برود و بعدش نماز را قضا کن؛ در حالی که صحیحه ابی بصیر به گونه ای دیگر بیان می کند.

این مطلب در صورتی است که فرمایش مرحوم حائری در صحیحه زراره را بپذیریم که مراد از «ان خشیت ان تفوتک الغداة» خوف فوت وقت فضیلت نماز صبح باشد. أما اگر ظاهر از «ان خشیت ان تفوتک الغداة» را خوف فوت أصل نماز صبح بدانیم به این معنا خواهد بود که مستحب است نماز مغرب و عشاء را بر أدای نماز صبح مقدم کنید مگر این که خوف وجود داشته باشد که آفتاب طلوع کند؛ طبق این معنا هم با صحیحه أبی بصیر مشکل دارد زیرا صحیحه أبی بصیر بیان می کند که ابتدا نماز صبح بخوان و بعد مغرب و عشاء را قبل از طلوع شمس بخوان و نمی توان آن را بر فرض خوف فوت نماز صبح قبل از طلوع شمس حمل نمود زیرا در خود روایت بیان می کند که نماز صبح را ابتدا بخوان و بعدش نماز مغرب و عشاء را قبل از طلوع شمس بخوان که نشان می دهد وقت نماز صبح همچنان به اندازه نماز مغرب و عشاء ادامه دارد و خوف فوت نماز صبح وجود ندارد و نمی توان بر خوف فوت نماز صبح حمل کرد و خوف فوت نماز صبح را بعد از این فقره بیان می کند که اگر خوف فوت نماز صبح بود ابتدا نماز صبح بخوان و نماز مغرب وعشاء را بعد از طلوع شمس بخوان.

پس صحیحه زراره با صحیحه أبی بصیر علی أی حال مشکل دارد زیرا یا فرمایش مرحوم حائری پذیرفته می شود و صحیحه زراره حمل می شود بر این که اگر خوف فوت وقت فضیلت نماز صبح بود ابتدا نماز صبح بخوان در ادامه بیان می کند که «ثم لاتصلهما الا أن تطلع الشمس» یعنی حتّی اگر نیم ساعت تا طلوع آفتاب مانده است نماز مغرب و عشاء را نخوان در حالی که صحیحه أبی بصیر بیان کرد که بعد از نماز صبح بلافاصله نماز مغرب و عشاء را قبل از طلوع شمس بخوان و حتّی اگر نمی توانی هر دو را قبل از طلوع شمس بخوانی مغرب را قبل از طلوع شمس بخوان.

و اگر صحیحه زراره را بر ظاهر أولی حمل کنیم که نماز مغرب و عشاء را بر نماز صبح مقدم کن مگر این که خوف فوت أصل نماز صبح قبل از طلوع آفتاب باشد که در این صورت هم با صحیحه أبی بصیر مشکل دارد چون صحیحه زراره بیان می کند اگر خوف طلوع شمس نداری ابتدا نماز مغرب و عشاء را بخوان و بعد نماز صبح را بخوان، ولی صحیحه ابی بصیر بیان می کند که اگر بعد از طلوع فجر بیدار شدی ابتدا نماز صبح و بعد مغرب و عشاء قبل از طلوع آفتاب بخوان و اگر خوف طلوع آفتاب داشتی تنها نماز مغرب را بعد از نماز صبح بخوان؛ یعنی فرض کرده است که خوف طلوع آفتاب نیست ولی با این حال ابتدا نماز صبح خوانده می شود.

**جواب این است که:** بله، صحیحه زراره با صحیحه أبی بصیر مشکل دارد و با همدیگر معارض اند ولی صحیحه صفوان و فقره اولی صحیحه زراره که در مورد نماز عصر و مغرب بود و راجع به خوف فوت وقت فضیلت مغرب آمده بود مشکلی ندارند و تنها صحیحه زراره با صحیحه أبی بصیر با هم تعارض دارند که یا ذیل صحیحه زراره را بر تقیه حمل می کنیم یا اگر تعارض و تساقط کنند تعارض آن ها به روایات دیگر سرایت نمی کند. پس این صحیحه زراره برای ما مشکلی ایجاد نمی کند.

### روایت سوم

روایت سوم که مانع از این بود که بر خوف فوت وقت فضیلت حمل شود، روایت قاسم بن عروه است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا فَاتَتْكَ صَلَاةٌ فَذَكَرْتَهَا فِي وَقْتِ أُخْرَى فَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ الَّتِي فَاتَتْكَ كُنْتَ مِنَ الْأُخْرَى فِي وَقْتٍ فَابْدَأْ بِالَّتِي فَاتَتْكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ أَقِمِ الصَّلاةَ لِذِكْرِي وَ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ الَّتِي فَاتَتْكَ فَاتَتْكَ الَّتِي بَعْدَهَا فَابْدَأْ بِالَّتِي أَنْتَ فِي وَقْتِهَا فَصَلِّهَا ثُمَّ أَقِمِ الْأُخْرَى.[[3]](#footnote-3)

یعنی اگر می دانی نماز فوت شده را بخوانی نماز بعدی فوت می شود ابتدا نماز بعدی را بخوان.

در این روایت مراد از «اذا صلیت التی فاتتک» فوت أصل واجب است و «فاتتک التی بعدها» به نظر شیخ انصاری و بزرگان دیگر بر خوف فوت وقت فضیلت حمل می شود یعنی اگر بخواهی نماز فائته قضائیه را بخوانی این نماز حاضره فوت می شود یعنی وقت فضیلت آن فوت می شود ابتدا نماز حاضره را بخوان؛ گفته می شود این معنا خلاف سیاق روایت است یعنی فاتتک اول به معنای خوف فوت أصل واجب و فاتتک دوم به معنای خوف فوت وقت فضیلت باشد.

**جواب از این روایت هم این است که**: این معنا خلاف ظاهر است ولی با جمع عرفی تنافی ندارد.

## اشکال عمده در بحث

اشکالی که بیان می کنیم تا در رابطه با آن فکر کنید این است که: تمام این بحث ها و این جمع ها مبتنی بر این است که بین نماز مغرب و نماز های دیگر فرق نگذاریم. چون صحیحه صفوان و صحیحه زراره این بود که اگر نماز قضا بخوانی وقت فضیلت نماز مغرب فوت می شود و لذا نماز قضا نخوان و این را شاهد جمع قرار دادیم که این مطلب مبتنی بر این است که احتمال خصوصیت در وقت نماز مغرب که زوال حمره مغربیه است ندهیم؛ أما برخی بزرگان مثل شیخ طوسی و صاحب حدائق گفته اند که وقت اختیاری نماز مغرب تا زوال حمره مغربیه است و واجب است تا این زمان نماز مغرب خوانده شود و در صحیحه زراره و فضیل ذکر شده است که «وقتها واحد فاذا غاب الشفق فاتک المغرب» این تعبیر در نماز های دیگر نیامده است. لذا احتمال خصوصیت در نماز مغرب وجود دارد. ادامه بحث را در شنبه هفته آینده دنبال خواهیم کرد.

1. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص292.](http://lib.eshia.ir/11005/3/292/%D9%86%D8%B3%DB%8C%D8%AA%20) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص292.](http://lib.eshia.ir/11005/3/292/%D9%86%D8%B3%DB%8C%D8%AA%20) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص293.](http://lib.eshia.ir/11005/3/293/%D9%82%D8%A7%D8%B3%D9%85%20) [↑](#footnote-ref-3)